

دوره‌های خانوادگی



معلم بلاگرها؛ تهدید جدید مدارس

ورود دوربین‌های نامحرم معلم بلاگرها به محیط امن مدارس

خاصی‌مه نیاز ندارند و کافی است در همان کلاس و در حالی که به درس و مشق دانش آموزان می‌رسند، دوربین تلفن همراهشان روشن باشد. زاویه‌اش را هم طوری تنظیم کنند که جزئی‌ترین رفتار و حرکات دانش آموزان بی‌خبر از همه جا را از قلم‌نبدازد. گاهی هم خودشان سناریوی بی‌چینند و شرایطی را به‌وجود

می‌آورند که بچه‌ها نادانسته و بی‌مز و منت برایشان بازیگری کنند. دستما به این سناریوها هم شیطن‌ها، لغزش‌ها و اشتباهات طنزآلود کودکان دانش‌آموز یا عرض‌اندام و رفتارهای خارج از عرف دانش‌آموزان

در آمدی چند برابر حقوق آموزگاری‌شان برای آنها به

گزارش	رابعه تیموری
	<i>روزنامهنگار</i>

به سادگی فالوئر جذب می‌کنند و پول روی پول می‌گذارند. به دفتر کار و سرماه و خلق ایده و خلاقیت

از آهنگ تابازی گرفتن از کودکان

روز معلم ۴سال پیش که ویدئوی همخوانی یک آهنگ لس آنجلسی توسط دانش‌آموزانی در فضای مجازی منتشر شد و اجرای همراه با قص و ساز و آواز تعدادی از بچه‌ها متولیان نظام آموزش و پرورش کشور را به واکنش واداشت، کمتر کسی به رد پای افرادی که در کنار دوربین فیلمبرداری مدرسه، دوربینی شخصی علم کرده و حرکات دانش‌آموزان را ثبت و ضبط می‌کنند توجه نشان داد، اما تیر صاحب این دوربین نامحرم به هدف خورد و با انتشار رفتار بچه‌های از همه‌جایی‌خبر در پیج‌های اینستاگرامی خود، تعداد فالوئرهایش را بی‌رحمت و بی‌درسر به چند برابر افزایش داد. پس از این اتفاق، موفق بودن این حیله سبب شد هر روز یکی از این دوربین‌های شخصی معلم بلاگرها از کلاس‌های درس سر درآورد و امن بودن حریم مدارس را به چالش بکشند. یک روز معلمی مازندرانی با ژست و پرستیز بلاگرها همخوانی برنامهریزی شده آهنگ گنگستر شهر آمل توسط دانش‌آموزان کمسن و سالش را در اینستاگرام منتشر کرد و روزی دیگر آقای معلمی جوان و جذاب، سر کلاس کیف پر از ابزارهای کاشت ناخن دانش‌آموز نوجوانش را مقابل دوربین می‌گیرد و رو به دوربین و بسا لحنی که دانش‌آموزانش را مخاطب قرار می‌دهد، می‌گوید: «بچه‌ها مثل… سر کلاس نروید… بعد هم تصویر شاگردش را که بعد از مدرسه به‌کار کاشت ناخن مشغول است، واضح و تمام رخ مقابل دوربین نمایش می‌دهد.

ناامنی

این هشدار و برخورد قانونی معاون اجتماعی پلیس فتا به‌دنبال شکایت والدینی بوده که از بازخورد منفی انتشار ویدئوهای طنز از لغزش‌های کودکان خود در فضای مجازی شاکی شده‌اند. یکی از این والدین که از ناامن شدن حریم مدارس توسط معلم بلاگرها دل خوشی ندارد، در این‌باره می‌گوید: «انتشار ویدئوی رفتار دخترم در این فضا سبب می‌شود به فعالیت‌های علمی رغبت کمتری نشان دهند و آینده خود را در مشاغلی معلمش باعث شد بسیاری از نزدیکان و فامیل‌سر به‌سر او بگذارند و برچسب‌های نامناسبی به او زده شوند. و حقوق کودکان در روحیه دخترم تأثیر زیادی گذاشته بود و حتی مدتی با آزارها و ناراحتی به مدرسه می‌رفت.» او معتقد است حتی اگر چهره دانش‌آموز در ویدئوها مشخص نباشد، اطرافیان با شنیدن لحن و صدای کودک می‌توانند از آن معلم حدس بزنند که آن رفتار طنزآلودا از سر زده است.

بازی دوسر باخت

شاید نوجوانان دانش‌آموز که بسیاری از آنها از همان دوران دانش‌آموزی، با جای پای معلم بلاگران خود گذاشته‌اند و در عالم مجازی به‌دنبال کسب درآمد هستند، به اقتضای سن و سال‌شان ادعای استقلال رای داشته باشند و بدون جلب موافقت خانواده بپذیرند که در ازای بازیگری در پیج‌های معلم بلاگرهای خود به شهرت و درآمد شخصی هم دست پیدا کنند، اما قانون، خودمختاری فرزندان زیر ۱۸سال را مجاز نمی‌داند و براساس قوانین عرفی و حقوقی کشور ریز و درشت وقایعی که بر دانش‌آموزان در محیط مدرسه می‌گذرد، باید بساط اطلاع و نظارت خانواده همراه باشد. همین موضوع هم باعث شده معاون اجتماعی پلیس فتا به معلم بلاگرها هشدار دهد که اگر حریم خصوصی و حقوق کودکان در فیلم‌هایی که در فضای مجازی منتشر می‌کنند رعایت نشود، امکان شکایت خانواده دانش‌آموزان از این افراد وجود دارد. به‌گفته سرهنگ رامین پاشایی اصل انتشار چنین فیلم‌هایی از نظر قانونی مشکلی ندارد، اما اگر در انتشار این فیلم‌ها حقوق کودکان و حریم خصوصی دانش‌آموزان رعایت نشود، خانواده دانش‌آموزان می‌توانند از آن معلم شکایت و موضوع را از طریق پلیس فتا پیگیری کنند.

بچه‌ها با آقامعلم همکار می‌شوند

یک روز هم آقا معلمی که ظاهرش برای بلاگری و گرفتن لایک از مخاطبان ظاهرینش چنگی به دل نمی‌زند، با پسران نوجوان و ماجراجوی کلاش عقل‌هایشان را یک‌کاسه می‌کنند و داستانی را به تصویر می‌کشند که در آن کوتاه‌قدی معلم از سوی شاگرد رشیدش مورد تمسخر قرار می‌گیرد و آقای معلم بلاگر تلافی رفتار او را بر سر دانش‌آموزی کوتاه‌قدتر از خودش درمی‌آورد. در همه این‌ها هوآفرینی‌های معلم بلاگرها در فضای مجازی، تأثیر آتی و فوری انتشار این ویدئوها بر جهش فالوئرهای آنها قابل توجه است، به‌طوری که آقای معلم بلاگر کوتاه‌قد و شاگردانش خیلی زود چندبرابر شدن فالوئرهای پیچ او را به دنبال‌کننده‌هایش اطلاع می‌دهند و این موفقیت بزرگ را جشن می‌گیرند. نکته جالب‌تر این است که به اشتراک گذاشتن این شادی و خوشحالی با مخاطبان‌شان هم باز به افزایش تصاعدی فالوئرها و لایک و بازدیدهای آقای معلم بلاگر می‌انجامد. در مورد آقای معلم جوان هم که آموزگاریش برای دختران نوجوان جای‌اگر اما دارد، توافق و تفاهم او با شاگرد ناخن‌کارش برای تبلیغ مهارت او به چشم می‌خورد. این معلم بلاگرها که در مدارس متوسطه تدریس می‌کنند و دانش‌آموزان نوجوان‌شان را به بازی می‌گیرند برای همراهی بی‌درسر شاگردان‌شان ترفندی زیرکانه دارند و برای جلوگیری از بازخواست شدن دانش‌آموزان به‌دلیل استفاده از تلفن‌همراه در مدرسه، از اختیارات خود به‌عنوان معلم استفاده می‌کنند و محتواهای تولیدشده را ابتدا در پیج خود منتشر می‌کنند و دانش‌آموزان نوجوان تشنه شهرت و دیده‌شدن با بازنشر این محتواهای پربیننده در پیج‌های اینستاگرامی خود، سهم‌شان را از این بازی دوسر بردا برمی‌دارند.

تربیت بلاگر نوجوان

در فعالیت معلم بلاگرها خدشه‌دار شدن اعتماد والدین به مدارس موضوع پراهمیتی است که نباید نادیده گرفته شود. یکی از والدینی که فرزند نوجوانش به همکاری با معلم بلاگر خود تمایل پیدا کرده در این‌باره می‌گوید: «دختر من در چند ویدئو که توسط معلمش منتشر شده حضور داشته، اما این ویدئوها بدون اجازه خانواده‌ها منتشر شده‌اند.» او به معتمد بودن معلمان از جانب خانواده‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما با وسواس و احتیاط مدارس مناسب را برای تحصیل فرزندان خود انتخاب می‌کنیم و از معلمان انتظار داریم شرایطی فراهم کنند که محیط مدرسه مانند فضای خانواده امن باشد، اما چنین رفتارهایی از جانب معلمان باعث می‌شود که ما اعتماد خود نسبت به مدارس را از دست بدهیم.» مریم یکتا (روانشناس) درباره استفاده از نوجوانان در محتواهای اینستاگرامی می‌گوید: «نوجوانان به اقتضای ویژگی‌های خاص این دوره از برنامه‌هایی که باعث شهرت و خودنمایی این‌ها شود استقبال می‌کنند، اما فعالیت زودهنگام آنها در فضای مجازی و دیده‌شدن در این فضا سبب می‌شود به فعالیت‌های علمی رغبت کمتری نشان دهند و آینده خود را در مشاغلی مانند بلاگری جست‌وجو کنند.» این روانشناس و پژوهشگر حوزه نوجوانان ادامه می‌دهد: «دانش‌آموزان در هر سنی از معلمان خود الگو می‌گیرند و میل به خودنمایی و دیده‌شدن در بین معلمان و دانش‌آموزان نیز تأثیر نامطلوبی می‌گذارد.»

فعالیت در شبکه شاد مورد تأیید است

علی‌فرهادی، معاون برنامهریزی و توسعه منابع وزیر و سخنگوی وزارت آموزش و پرورش تأکید می‌کند که هر گونه آموزش غیررسمی خارج از بستر آموزش و پرورش که در فضای کسب‌وکاری مانند آموزشگاه‌های آزاد صورت بگیرد، باید با نظارت واخذ مجوزهای قانونی از سازمان مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش انجام شود. او به محدودیت‌های نظارت بر فضای فناوری اطلاعات اشاره می‌کند و می‌گوید: «لازم است نهادهای متولی نظارت بر حوزه فناوری اطلاعات با تصویب قوانین مناسب زمینه قانونمندشدن این حوزه را به‌وجود آورند.» فرهادی همچنین یادآوری می‌کند: «موزش و پرورش به هیچ معلمی مجوز آموزش در فضای وبلاگی را نداده و شبکه شاد تنها بستر امن و شناساده‌مرد برای تعامل معلمان با دانش‌آموزان است.»

ارمغان می‌آورد. آنها معلم بلاگر هستند! معلمانی که به‌عنوان محرم اسرار و معتمد خانواده‌ها و دانش‌آموزان به کلاس درس یا می‌گذارند و با انگیزه‌های مادی حرمت این حریم امن را می‌شکنند. گزارش زیر شرح حکایت ظهور معلم بلاگرها در نظام تعلیم و تربیت کشور است و تأثیری که این پدیده بر کودکان و نوجوانان باقی می‌گذارد.

چاردیواری

لح و لجبازی، آفت زندگی مشترک

اگر همسر لجبازی دارید بهتر است به جای مقابله کردن بسا او رویه خود را تغییر دهید و گرنه زندگی‌تان هیچ وقت رنگ آرامش و شادی به خود نخواهد گرفت. «زهرامام» مشاور خانواده درباره لجبازی همسران اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار ما می‌گذارد.

دعوی بچگانه

به باور این کارشناس، زندگی مشترک یعنی تعهد و قبول کردن مسئولیت. بنابراین زن یا مرد باید بپذیرد یک زندگی جدید را شروع کرده و نیازی نیست برای اثبات خود، نظرش را به دیگری تحمیل کند. دکتراسام در این‌باره می‌گوید: «متأسفانه بعضی از لجبازی‌ها آنقدر پیش‌پا افتاده است که اصلاً نمی‌توان برایش ارزشی قائل شد. در واقع دعوی بچگانه است. به‌طور مثال مرد با قاطعیت تمام و لحنی تند از همسرش می‌خواهد به فلان مهمانی برود. زن هم لجبازی می‌کند و می‌گوید نمی‌آیم. پیامد کلام دستوری، لجاجت است. در صورتی که این آقا اگر در بیان جمله‌اش کمی لطافت به خرج می‌داد، چه بسا که خانم استقبال هم می‌کرد، بنابراین مهارت صحبت کردن و مهارت رفتاری لازمه زندگی مشترک است.»

میوه زندگی

اگر می‌خواهی بچه‌ات به حرفت گوش بدهد

خیلی وقت‌ها پدر یا مادر از دست بچه خسته شده و شکایت می‌کنند، که بسرم حرف گوش نمی‌دهد یا دخترم هر کاری دوست دارد انجام می‌دهد و به تذکرات من بی‌توجه است. این موضوع دغدغه بعضی از والدین است و نمی‌دانند چه رفتاری را باید پیش بگیرند. فاطمه‌مسادات رایگانی روانشناس کودک در این‌باره به نکات مهمی اشاره کرده و حتی کتابی با عنوان «درگوشی باوالدین» نوشته که پدر و مادرها می‌توانند با مطالعه آن اطلاعات بیشتری در این زمینه داشته‌باشند.

نافرمانی کردن، همیشه بی‌احترامی نیست

به باور رایگانی، حرف گوش نکردن کودک برای والدین سخت و ناراحت‌کننده است. اما بهتر است قبل از رفع آن، علت نافرمانی کودک ریشه‌یابی شود. او در این‌باره می‌گوید: «بسیاری از والدین به محض رویه‌رو شدن با سرپیچی کردن کودک دست‌یاچه شده و مرتب از خود می‌پرسند کجای کار را اشتباه رفته‌اند که فرزندشان باغی شده است. آنها این رفتار کودک یا نوجوان خود را حمل بر بی‌احترامی می‌گذارند بنابراین حسن خوبی ندارند. باید متذکر شوم که حرف گوش نکردن کودک همیشه به‌معنای بی‌احترامی نیست. خیلی وقت‌ها کودک یا نوجوان غرق بازی یا تماشای تلویزیون است. بنابراین متوجه خواسته پدر و مادر خود نمی‌شود یا تمرکز روی حرف‌های آنها ندارد. اما گاهی هم از روی عمد این کار را انجام می‌دهد. او بی‌توجهی می‌کند چون شما بیش از حد هشدار می‌دهید و کلام‌تان بوی سرزنش و توبیخ دارد. به‌طور مثال، «نیم‌ا، چندبار باید به تو بگویم؟»، «چرا به حرف من اهمیت نمی‌دهی؟» وقتی شما مرتب اخطار می‌دهید، بازتاب رفتاری‌تان برعکس می‌شود.» تذکرات مکرر پدر و مادر فقط یک نکته به کودک یا نوجوان یاد می‌دهد، اینکه نخستین باری که صحبت می‌کنید گوش ندهد.

تهدید نکنید

موضوع دیگر تهدیدهای بی‌تأثیر شمامت، مادر با عصبانیت فریاد می‌زند: «اگر اناقت را تمیز نکنی اجازه نداری تلویزیون ببینی. یا اسباب‌بازی‌ات را ببرون می‌ریزم. کودک متوجه می‌شود تهدید واقعی نیست و عملی نمی‌شود. بنابراین تهدیدهای اغراق‌آمیز بیان نکنید. راه‌حل سوم اینکه با فرزند خود مشاجره نکنید. این کار حرمت‌ها را می‌شکند و فرزند شما به جای حرف‌شنوی، لجبازی می‌شود.» رایگانی معتقد است اگر کودک از دستورات شما سرپیچی کرد، ابتدا آرامش خود را حفظ کنید و وقتی با کودک‌تان تنها هستید از او بخواهید یک‌بار آنچه را برای او توضیح داده‌اید بازگو کند.

یادداشت

متناسب‌سازی جنسیتی برنامه درسی و محتوای آموزشی

ادامه از صفحه اول
مهم‌ترین مصادیق این مسئله عبارتند از:

اینگونه بر شمرد:

۲/الف) در برخی از موضوعات مرتبط با مسئله سبک زندگی یا احکام و نیازهای اختصاصی هر یک از جنسیت یا مشاغل و حرفه‌ها، مطالب مورد نیاز دختر و پسر متفاوت است. گاهی این تفاوت‌ها به اندازه‌ای است که برای آن، به کتاب درسی مستقل نیاز باشد (مثال: «کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی» در پایه دوازدهم که ناظر به آماده کردن دختران و پسران برای ایفای نقش‌های اختصاصی آنان در خانواده است و لذا در حال حاضر، یک ویرایش پسرانه و یک ویرایش دخترانه دارد). گاهی نیز این تفاوت‌ها به اندازه یک کتاب درسی مستقل نیست و در حد یک یا ۲ فصل مستقل نیاز دارد (مثال: «کتاب تفکر و سبک زندگی» پایه هفتم که یک کتاب مشترک دختران و پسران دارد و یک ضمیمه اختصاصی برای دختران که شامل مباحث جسمی و روحی آن دوره متناسب با دختران و بخشی از احکام حجاب است.

مثال دیگر، تفاوت‌های دختران در احکام است که در کتاب‌های درسی دینی باید به آنها پرداخته شود). گاهی نیز این تفاوت در حد تفاوت یک رشته در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای یا کار دانش است. به‌عنوان نمونه، رشته‌های «دوخت لباس عروس»، «تربیت کودک» یا رشته «مدیریت خانواده»(که به هنرهای خانهداری می‌پردازند) جمله رشته‌هایی هستند که اختصاصی دختران تعریف شده‌اند، زیرا با ویژگی‌های زنانه تناسب بیشتری دارند و در برابر، «حمل‌ونقل»، «تایوری»، «متالوژی (ریخته‌گری)» و «صنایع فلزی» از رشته‌های اختصاصی پسران هستند، چرا که متناسب با ویژگی‌های مردانه هستند. (۲ب) دیگر مصداق مهم متناسب‌سازی کتاب‌های درسی/ محتوای آموزشی با هویت جنسیتی دانش‌آموزان، در نظر گرفتن تناسب و توازن تصاویر و طراحی‌های موجود در کتاب متناسب با نگاه دخترانه و پسرانه است. در طراحی کتاب درسی، این مهم است که هم دانش‌آموز دختر و هم دانش‌آموز پسر، احساس کنند که کتاب، برای آنها نگاشته شده و دخترانگی یا پسرانگی آنها را نادیده نگرفته است. لذا، توجه به متوازن بودن تصاویر ۲جنس (در عین رعایت ارزش‌های اخلاقی و دینی)، حضور متوازن زن و مردان در میان شخصیت‌ها، داستان‌ها و متن‌ها و حتی اسامی به کار برده شده نیز بخشی از این متناسب‌سازی است.